

پیشامد محال

گزیده‌ی شعرهای

امیرحاجان فیروزپور

www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور: پیشامد محال / گزیده شعرهای لمعان فیروزپور.
سرشناسه: فیروزپور، لمعان، ۱۳۵۷-

مشخصات نشر: تهران: ناهفته، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۶۸ ص:، ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۹۹-۱۷-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۵
Persian poetry -- 15th century

رده بندی کنگره: PIRAT356

رده بندی دیویی: 851/62

شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۳۵۶۳۸

وضعیت رکورد: فیا



انتشارات ناهفته

تهران، فداییان، خیابان بهمن، پلاک ۱۸

پیشامد محال / لمعان فیروزپور

چاپ یکم: اسفند ۱۴۰۳

شناسه: ۰۱۰۱۰۵

شمارگان: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۹۹-۱۷-۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ترنج

طرح جلد: سیاوش برادران

کلیه حقوق این اثر محفوظ است.

- ۳۹.....چه رنج‌های زیادی که بی‌سبب دارد.....
- ۴۰.....تنها خیال خام تو چون باد بودن است.....
- ۴۲.....بر سر این سفرهای اما خمار دیگران.....
- ۴۴.....توهم است کی‌وتر که عاشق بازی.....
- ۴۶.....از انتهای شاخه‌ی غم چیده‌ای مرا.....
- ۴۷.....غم را به دست دل نسپارید بهتر است.....
- ۴۸.....با چشم‌های عاشق باران چه می‌کنی.....
- ۵۰.....بگو به من که به یک‌باره اتفاق نیفتد.....
- ۵۲.....مه می‌زند این سبزه را، مات خواهد کرد.....
- ۵۴.....دستم رسیده باز بدی شبیه تو.....
- ۵۶.....لبریز شد از عطر خوشت که دوباره.....
- ۵۸.....بر آب رفته از لب دریا غزل نگو.....
- ۶۰.....چشم‌هایت آن قدر هم مثل اقیانوس نیست.....
- ۶۱.....با تو فقط خوش است به کرات حال من.....
- ۶۳.....به جستجوی تو در عمق خواب می‌گردم.....
- ۶۵.....گاهی بیا و سرزده از من خبر بگیر.....
- ۶۷.....لطفاً کمی به فکر درختان باغ باش.....
- ۶۹.....شبیه گرگ خودش را به عمق خواب زده.....
- ۷۱.....مثل رودی خسته‌ام اما به دریاها نخواهم رفت.....
- ۷۲.....شب کشیدی روز را در یاورت خورشید بود؟.....
- ۷۳.....مانده دوباره خیره به این در نگاه من.....
- ۷۵.....با من دوباره حرفی از این ماجرا نزن.....
- ۷۷.....بیا که حل شود آخر دوباره مشکل من.....

- ۱۵۸ به کجا می رود این بغض گلوگیر شده
 ۱۶۰ عجیب نیست که درهای آسمان بسته است
 ۱۶۲ عشق از تو خبری داغ و موثق دارد
 ۱۶۳ نگو که ضربه به روح و تنم، اساسی نیست
 ۱۶۵ هنوز چشم و چراغ غمت حریف کش است
 ۱۶۶ برای جای نوشیدن بیا و پیش من بنشین
 ۱۶۷ خسته ام از عشق و این غمگساری بیشتر
 ۱۶۹ پیچیده نیست ذهنت اگر احراف کن
 ۱۷۰ برای چشم هایم هدیه ای ببلور
 ۱۷۱ یا اسم مرا در وسط جمع بیا
 ۱۷۲ پرتگاهی ناگهان، جز حاصل این راه نیست
 ۱۷۴ پیغمبر تو بودم و اعجاز نکردم
 ۱۷۵ مست از می ناب و لب شیرین منی نه
 ۱۷۶ بشکن سکوت تلخ، مزاجت را، اندوه ماه و سال نمی خواهد
 ۱۷۸ شاید تو هم با آسمان ها فرق داری
 ۱۸۰ به دور از آسمان چشم تو پرواز می خواهم چه کار
 ۱۸۱ به رسم باد رقصیدن، من و موی پریشانم
 ۱۸۲ دوباره سینه پر از حجم اضطراب شده
 ۱۸۴ شکسته حنجره ی زخمی چکاوک من
 ۱۸۵ یا نمی گوئی چرا افتاده غم بر جان من
 ۱۸۷ با خود چه خواهد داشت بی رحمانه جنگیدن
 ۱۸۸ رباعی